

اعتبارسنجی مصادر و اسناد روایات اسلامی آفرینش حوا علیها السلام

علی راد*

زینب مجلسی راد**

چکیده

آفرینش انسان نخستین و بحث‌های مربوط به آن، از جمله موضوعاتی است که در ادیان آسمانی مطرح شده و روایات اسلامی نیز بدان پرداخته‌اند، اما متأسفانه آمیختگی این متون با اسرائیلیات سبب شده است تا اصل ماجرا در لابه‌لای منابع کم‌رنگ گردد؛ بنابراین، نیازمند کاوشی جدی است تا با آسیب‌شناسی احادیث موجود، حقیقت آشکار گردد. از جمله مواردی که در این زمینه نیازمند پژوهش می‌باشد، چگونگی آفرینش حوا علیها السلام است. اهمیت این موضوع بدان علت است که معنای ظاهری برخی روایات، نوعی تحقیر جنس زن را در بر دارد. بررسی منابع روایی فریقین نشان می‌دهد در این زمینه دو دسته روایت وجود دارد؛ احادیثی که حاکی از خلق حوا علیها السلام از دندهٔ آدم علیه السلام بوده و روایاتی که بر آفرینش حوا علیها السلام از باقی‌ماندهٔ گل آدم علیه السلام اشاره دارند. آسیب‌شناسی مصادر و بررسی وثوق سندی احادیث هر دو دسته نشان می‌دهد در هر دو بخش، آسیب‌هایی بر روایات وارد است که نیازمند بررسی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حوا علیها السلام، دنده، باقی‌ماندهٔ گل، آسیب‌شناسی، مصادر، اسناد.

مقدمه

چگونگی آفرینش حوا علیها السلام از دیرباز تا کنون، ذهن عالمان اسلامی را به خود مشغول ساخته و بحث‌ها و اختلافاتی جدی را پدید آورده است. ریشهٔ این بحث‌ها را می‌توان در روایاتی دانست که محدثان فریقین در کتب روایی خویش بیان کرده‌اند؛ روایاتی که ظاهر آن‌ها، آفرینش حوا علیها السلام از دندهٔ چپ آدم علیه السلام یا باقی‌ماندهٔ گل او را به ذهن متبادر می‌سازد. موضع عالمان اسلامی در مقابل این گروه از روایات، تأثیری جدی بر تفسیر آیات دربارهٔ آفرینش انسان و هم‌چنین احکام‌النساء داشته است. با توجه به تنوع نگرش دانشمندان علوم اسلامی به این روایات لازم است روایات موجود، پس از جمع‌آوری، مورد بررسی دقیق و آسیب‌شناسی قرار گیرند تا حقیقت امر روشن شود. آنچه در این مجال مدنظر قرار داده خواهد شد، آسیب‌شناسی اسناد و مصادر روایت در جوامع روایی فریقین است و بررسی متون آن‌ها، به دلیل طولانی شدن مقاله، نیازمند پژوهشی مستقل خواهد بود.

پیشینه پژوهش

بررسی احادیث آفرینش حوا علیها السلام، در شمار موضوعاتی قرار می‌گیرد که از گذشته تا کنون مورد توجه بسیاری از عالمان شیعه و اهل سنت قرار داشته است، به گونه‌ای که غالب تفاسیر فریقین در هنگام بررسی این دسته از آیات، موضع خویش دربارهٔ روایات آفرینش حوا علیها السلام را بیان داشته‌اند. از بررسی اجمالی متون و منابع موجود، پنج دیدگاه ذیل به دست آمد:

* استادیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم (ali.rad.@ut.ac.ir).

** دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم (z.majlesirad@yahoo.com).

۱. پذیرش: نص گرایان فریقین، ظاهر این روایات را پذیرفته و هیچ‌گونه تأویلی را برنتافته‌اند و گاه ظاهر آیه نخست سوره «نساء» را بر آفرینش حوا ع از دندهٔ چپ آدم ع حمل کرده‌اند.^۱ در این میان، تعدادی از بزرگان شیعه نیز آن‌ها را به عنوان احتمال، در معنای آیات مطرح کرده‌اند.^۲

۲. نفی صدور: شماری از عالمان شیعه و برخی علمای اهل سنت، صدور این دسته روایات را نمی‌پذیرند و یا آن‌ها را تقیه می‌دانند.^۳

۳. تأویل: گروهی از عالمان اسلامی، مفهوم ظاهری آیات را معتبر ندانسته و آن را به تأویل برده‌اند. معنای تأویلی این روایات در رویکرد مزبور چنین است که منظور از آفرینش حوا ع از دندهٔ چپ آدم ع، قوی‌تر بودن قوهٔ جسمانی و حیوانی زنان در مقایسه با مردان و بالاتر بودن نیروی روحانی و ملکوتی مردان از زنان است.^۴

۴. تمثیل: برخی گفته‌اند: این روایات جنبهٔ تمثیلی داشته و ناظر به کژی‌های اخلاقی زن در زندگی است و هدف این روایات، سفارش به مدارا کردن با جنس زن است. گویا فرموده‌اند: زن به مانند دندهٔ کج می‌ماند که اگر بخواهید راستش کنید، می‌شکند؛ پس ناچارید وی را به حال خود واگذارده و با او مدارا کنید!^۵

۵. توجه به علم اعداد: طرفداران فن محاسبهٔ اعداد گفته‌اند: ارقام یک تا نه، نسبت به سایر اعداد، حکم پدر (آدم) را دارند و رقم پنج به منزلهٔ مادر (حوا) است. از جمع یک تا نه، عدد ۴۵ به دست می‌آید که عدد خاص آدم است و از جمع یک تا پنج، عدد پانزده به دست می‌آید که عدد خاص حواست. باز از ضرب دو رقم پنج و نه، عدد ۴۵ حاصل می‌شود که عدد خاص آدم است. در علم حساب، دو طرف ضرب را «ضلع» و حاصل ضرب را «مربع» می‌گویند. در ضرب پنج و نه، یک ضلع کمتر از ضلع دیگر است و آن رقم پنج است که به منزلهٔ حواست. با توجه به این محاسبه، راز فرمایش پیامبر ۶ که فرمودند: «حوا ع از ضلع ایسر آدم ع خلق شده است» روشن می‌گردد، زیرا واژهٔ «ایسر» در این جا از «یسر» به معنای قلیل است، نه از «یسار» به معنای چپ.^۶

در دوران معاصر، اندیشمندانی چون أبوشقه در *تحریر المرأة فی عصر الرساله* و علی‌اکبر غفاری در *تحقیق من لا یحضره الفقیه* بررسی این روایات را مدنظر خود قرار داده‌اند. آقای مهریزی نیز در کتاب *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، فصلی را به بررسی این روایات اختصاص داده و علاوه بر بیان آسیب‌های وارد در ناحیهٔ متون، به برخی مشکلات اسناد نیز اشاره کرده است. خانم فرجامی نیز در کتاب *زنان قرآنی از حوا تا مریم ع*، این روایات را مورد بررسی قرار داده است.

۱. ر.ک: تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۲، ص ۷۹۷؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۳۰۲؛ التفسیر المظهری، ج ۳، ص ۴۴۳؛ بیان المعانی، ج ۱، ص ۴۶۸.

۲. ر.ک: جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۸۸؛ تفسیر القرآن الکریم، ص ۱۸۹؛ ارشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن، ص ۴۶۴؛ تفسیر اثنا عشری، ج ۴، ص ۲۶۵.
۳. ر.ک: جدید الإسلام، ص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴۸؛ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۵۲.

۴. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۱۵.

۵. تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، ج ۳، ص ۳۰۰.

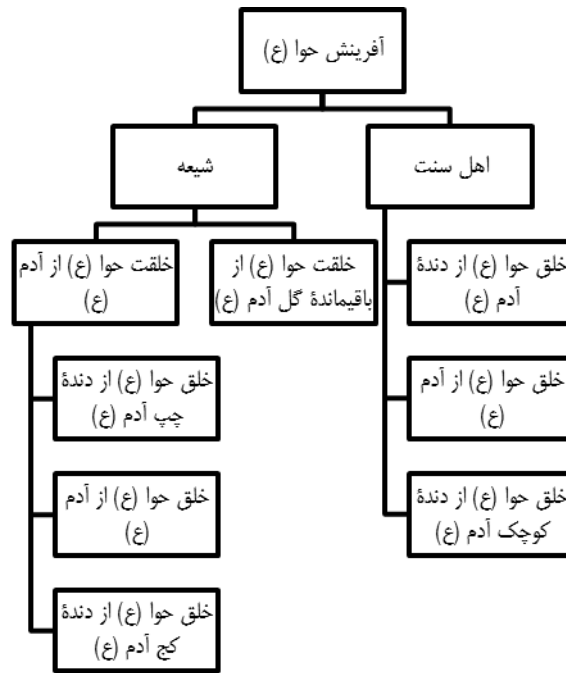
۶. بحار الأنوار الجامعه لدرر الأخبار الأئمه الأطهار ع، ج ۱۱، ص ۱۱۶، برای مطالعهٔ تفصیلی دیدگاه‌ها ر.ک: «نگاهی نو به روایات آفرینش زن از دندهٔ چپ مرد»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۵، ص ۵۰-۵۲.

آنچه در این گونه از پژوهش‌ها کمتر مورد توجه می‌باشد، بررسی مستقل اسناد احادیث و هم‌چنین توجه به منابعی است که این روایات را ذکر کرده‌اند؛ در نتیجه، این پژوهش به هدف بررسی و آسیب‌شناسی این روایات، به لحاظ سندشناسی و مصدرشناسی نگارش یافته است.

گونه‌شناسی روایات

بررسی منابع روایی شیعه و اهل سنت، دو دسته از روایات را در این موضوع مشخص می‌سازد؛ دسته اول روایاتی هستند که بر خلقت حوا ع از دنده آدم ع اشاره دارند. این موضوع که در منابع روایی شیعه و اهل سنت مشترک است، زیرمجموعه‌های کوچک‌تری نیز دارد. ۲۶ روایت^۱ در شیعه و هشت روایت در اهل سنت^۲، درباره این موضوع به دست آمد. دسته دوم که تنها در متون روایی شیعه دیده می‌شود و برخی احادیث آن با روایات دسته اول تعارض دارند، بر خلق حوا ع از باقی‌مانده گل آدم ع دلالت می‌کنند. در این دسته نیز شش روایت شیعی یافت شد:^۳

۱. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌گردد:
- «أبي عبد الله ع قال: سُمِّيَتِ الْمَرْأَةُ مَرَأَةً لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِنَ الْمَرْءِ يَعْنِي خُلِقَتْ حَوَاءٌ مِنْ أَدَمَ»؛ امام صادق ع فرمودند: زن را زن نامیدند، زیرا از مرد آفریده شده است؛ یعنی حوا از آدم خلق شد.
- «سئل أبو عبد الله ع و أنا حاضرٌ كم لبت آدم و زوجته في الجنة حتى أخرجهما منها خطيئتهما فقال: إن الله تبارك و تعالی نفخ في آدم ع روحه بعد زوال الشمس من يوم الجمعة ثم برا زوجته من أسفل أضلاعهم ثم أسجد له ملائكته و أسكنه جنته من يومه ذلك...»؛ مردی از امام صادق ع پرسید: آدم و حوا چه مدت در بهشت سکونت داشتند تا اشتباه آنان سبب اخراجشان گردید؟ فرمودند: خداوند پس از زوال آفتاب در روز جمعه، روح در آدم ع دمید و در همان روز همسرش را از دنده‌های پایین آدم ع بیافرید؛ سپس فرمان سجده فرشتگان را صادر کرد و آنان را در بهشت اسکان داد...
- «جعفر بن محمد عن أبيه ع أن علي بن أبي طالب ع كان يورث الخنثى فبعد أضلاعه فإن كانت أضلاعه ناقصة من أضلاع النساء بصلع ورت ميراث الرجل لأن الرجل تنقص أضلاعه عن بصلع النساء بصلع لأن حواء ع خلقت من بصلع آدم ع القصى اليسرى فنقص من أضلاعه بصلع واحد»؛ امام صادق ع از پدرشان نقل کرده‌اند: امیرالمؤمنین ع برای تعیین ارث افراد خنثی، دنده‌های آن‌ها را می‌شمرد. اگر یک دنده کمتر از زنان داشت، به او ارث مردان می‌داد، زیرا مرد یک دنده کمتر از زن دارد و این نیز از آن جهت است که حوا ع از دنده چپ آدم ع خلق شد؛ لذا مرد یک دنده کمتر دارد.
- «عن أبي جعفر ع قال: كان عمر آدم ع من يوم خلقه الله إلى يوم قبضه تسعمائة و ثلاثين سنة و دفن بمكة و نفخ فيه يوم الجمعة بعد الزوال ثم برا زوجته من أسفل أضلاعه و أسكنه جنته من يومه ذلك فما استقر فيها إلا ست ساعات من يومه ذلك حتى عصى الله و أخرجهما من الجنة بعد غروب الشمس و ما بات فيهما»؛ امام باقر ع فرمودند: عمر حضرت آدم ع از زمانی که خدا او را آفرید تا وقتی که از دنیا رفت، ۹۳۰ سال بود و در مکه دفن گردید و روز جمعه بعد از زوال در او دمید. سپس همسرش را از پایین‌ترین دنده‌اش ایجاد کرد و از آن روز در بهشتش مسکن داد؛ تنها شش ساعت در آن مستقر بود تا این که نافرمانی خداوند کرد و خدا آن‌ها را پس از غروب آفتاب از بهشت بیرون کرد و شب را در آن نماندند.
- «قال جعفر بن محمد الصادق ع: فلما نام آدم ع، خلق الله من بصلع جنبه الأيسر ما يلي الشراسيف و هو ضلع أعوج، فخلق منه حواء...»؛ امام صادق ع فرمودند: هنگامی که آدم ع را خواب ربود، خدا از دنده طرف چپ آدم ع که کج و سوی شکم است، حوا ع را خلق کرد...
- «قال رسول الله ص: إنما المرأة كالضلع إن أقمتهما كسرتهم...»؛ پیامبر ص فرمود: زن همچون دنده می‌ماند؛ اگر بخواید آن را صاف کنید، می‌شکند.
۲. «قال رسول الله ص: استوصوا بالنساء فان المرأة خلقت من ضلع و ان اعوج شئ في الضلع أعلاه فان ذهبت تقيمه كسرته و ان تركته لم يزل أعوج فاستوصوا بالنساء»؛ پیامبر ص فرمودند: با زنان به نیکی رفتار کنید، زیرا زن از دنده کج خلق شده است و در دنده آنچه کج‌تر است، بالاتر است و اگر بخواید راستش کنید، آن را می‌شکنید و اگر رهایش کنید، کج می‌ماند؛ پس با زنان به نیکی رفتار کنید!
۳. «سألت أبا جعفر ع من أي شيء خلق الله حواء فقال: أي شيء يقولون هذا الخلق قلت: يقولون: إن الله خلقها من ضلع من أضلاع آدم، فقال: كذبوا! كان الله يعجزه أن يخلقها من غير ضلعه. فقلت: جعلت فداك يا ابن رسول الله ص: من أي شيء خلقها فقال أخبرني أبي عن آياته: قال: قال رسول الله ص: إن الله تبارك و تعالی قبض قبضة من طين فخلطها بيمينه و كلنا يديه يمين فخلق منها آدم ع و فضلت فضلة من الطين فخلق منها حواء ع»؛ از امام باقر ع پرسیدم: خدا حوا ع را از چه چیزی آفرید؟ فرمود: دیگران چه می‌گویند؟ گفتم: معتقدند خدا، حوا ع را از دنده مرد خلق کرد. فرمودند: دروغ می‌گویند. آیا خداوند قادر نبود که حوا ع را مستقل بیافریند؟! گفتم: فدایت گردم! پس حوا ع چگونه خلق شد؟ فرمود: پدرم از پدرش و جدش تا برسد به رسول خدا، نقل کرده است که خدا مشتی خاک از زمین برداشت، با دست راست خود - که هر دو دست او راست است - آن را به هم زد و از آن آدم ع را بیافرید و از باقی آن، حوا ع را خلق کرد.



در ادامه، به بیان آسیب‌های وارد بر هر دسته از احادیث، در ناحیهٔ مصادر و اسناد پرداخته می‌شود.

آسیب‌شناسی مصادر روایات

در زمینهٔ آسیب‌شناسی مصادر، هر دسته از احادیث به صورت مجزا و به تفکیک شیعه و اهل سنت، بررسی خواهد شد.

دستهٔ اول

دستهٔ اول روایات، بر آفرینش حوا علیها السلام از بخشی از وجود آدم علیه السلام دلالت دارد. بررسی‌ها حاکی از این مسئله است که در شیعه، به جز یازده روایت که در *الکافی*، یکی از کتب اربعهٔ شیعه^۱، یا برخی از کتب شیخ صدوق^۲ گزارش شده‌اند، اکثر روایات از مصداری ضعیف برخوردارند. علل ضعف مصادر روایات را می‌توان به این صورت بیان داشت:

۱. تأخر زمانی در نقل روایت: بی‌شک، ظهور روایتی در قرون متأخر و عدم وجود آن در کتب متقدمین، می‌تواند آسیبی برای آن حدیث تلقی گردد. در زمینهٔ روایات این دسته باید گفت:

– آغازگر نقل شش روایت، بحار/الانوار بوده است، بدون آن که به منبعی دیگر ارجاع داده شود.^۱

۱. روایت اول: *الکافی*، ج ۵، ص ۴۴۲، ح ۹.

روایت دوم: *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۳۲۶، ح ۵۷۰۲.

روایت سوم: همان، ج ۴، ص ۳۲۷ و ۳۲۸، ح ۵۷۰۴.

روایت چهارم: *الکافی*، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۳.

روایت پنجم: همان، ح ۴.

۲. روایت ششم: *علل الشرائع*، ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۳۳.

روایت هفتم: همان، ج ۱، ص ۱۶ و ۱۷، ح ۱.

روایت هشتم: *معانی الأخبار*، ص ۴۸، ح ۱.

روایت نهم: *علل الشرائع*، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱.

روایت دهم: *معانی الأخبار*، ص ۳۰۵، ح ۱.

روایت یازدهم: *الإختصاص*، ص ۳۳۹.

- یک روایت را ابتدا *الإحتجاج* در قرن ششم هجری نقل کرده است.^۲

- روایتی را تنها راوندی در *قصص الأنبياء* خویش آورده که متعلق به قرن ششم هجری است.^۳

- آغازگر نقل روایتی نیز *مستدرک الوسائل* در قرن چهارده هجری است.^۴

۲. عدم اعتبار مصادر نزد عالمان شیعه: برخی منابع به دلایل گوناگونی که در ادامه بیان خواهد شد، نزد عالمان شیعه جایگاه خوبی ندارند؛ در نتیجه، هنگام استفاده از روایات آن‌ها باید به این نکته توجه داشت:

- دو روایت از مجموع روایاتی که در این دسته وجود دارند، از *تفسیر العیاشی* نقل شده‌اند.^۵ عیاشی تفسیر نفیسی دارد که روایات را با سند و در کمال دقت و اعتبار در آن آورده است و تا پایان قرآن را در بر می‌گیرد، اما این تفسیر به طور کامل در دست نیست. برخی نیز از روی غفلت، سندهای آن را حذف کرده و تنها به اولین راوی حدیث از امام اکتفا کرده‌اند.^۶ عیاشی آیات را، چه در تفسیر و چه در تأویل، همراه با احادیث منقول از اهل بیت علیهم‌السلام می‌آورد، اما آن‌ها را بدون جرح و تعدیل گذاشته است و نقد و بررسی را به عهده سند ذکر شده همراه روایت - که با کمال تأسف حذف گردیده‌اند - وامی‌گذارد. هم‌چنین به برخی از قرائات نادر منسوب به ائمه علیهم‌السلام که در کتاب‌های دیگر با سندهای ضعیف آورده شده یا مرسل و فاقد حجیتند، اشاره کرده است؛^۷ از این رو، کتاب مذکور نزد عالمان شیعه بی‌اعتبار است.

- دو روایت از مجموع روایات این دسته، اولین بار در *البرهان فی تفسیر القرآن* نقل شده است که علاوه بر آن که در شمار کتب متأخر شیعه قرار می‌گیرد، اعتبار چندانی نیز ندارد.^۸ در قرن یازدهم، سیدهاشم بن سلیمان بحرانی احادیث روایی را از درون کتاب‌های تفسیری و نیز سایر کتاب‌های حدیثی گرد آورد و نام «*البرهان فی تفسیر القرآن*» را بر کتاب خویش نهاد، ولی قریب به اتفاق این روایات در میزان اعتبار، وزنی ندارند، زیرا یا سند آن‌ها ضعیف یا مرسل است، یا مقطوع‌السند است و یا مفاد آن با اصول عقاید و مبانی شریعت ناسازگار است؛ افزون بر آن، احیاناً با علم یا عقل

۱. روایت دوازدهم: *بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار* علیهم‌السلام، ج ۵۶، ص ۹۱ و ۹۲، ح ۰۱. وی در آغاز سند روایت چنین آورده است: «رأیت فی بعض الكتب المعتمره»، اما مقصود خویش را از منابع معتبر بیان نمی‌کند و برای خواننده مجهول است.

روایت سیزدهم: همان، ج ۵۷، ص ۲۶۵ و ۲۶۶، ح ۵.

روایت چهاردهم: همان، ج ۵۶، ص ۵۷، ح ۱۳.

روایت پانزدهم: همان، ج ۵۷، ص ۲۶۵، ح ۴.

روایت شانزدهم: همان، ج ۱۱۳، ص ۳۵.

روایت هفدهم: همان، ج ۱۵، ص ۳۳.

۲. روایت هجدهم: *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۲، ص ۳۲۸.

۳. روایت نوزدهم: *قصص الأنبياء*، ص ۴۱ و ۴۲، ح ۴.

۴. روایت بیستم: *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، ص ۲۵۵، ح ۱۶۶۳۵.

۵. روایت بیست و یکم: *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۲.

روایت بیست و دوم: همان، ج ۲، ص ۱۰، ح ۱۱.

۶. برای این کار ناروای خود، عذر ناموجهی ارائه کرده‌اند؛ بدین مضمون که چون در این دیار کسی را نیافتیم که دارای سماع و اجازه از مؤلف باشد، سندهای آن را حذف کردیم. علامه مجلسی (ره) این امر را عذر بدتر از گناه می‌داند.

۷. *تفسیر و مفسران*، ج ۲، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۸. روایت بیست و سوم: *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۱۰، ح ۲۰۶۸.

روایت بیست و چهارم: همان، ج ۳، ص ۳۴۷، ح ۵۸۴۱.

سلیم نیز مخالفت دارد. تمامی این جهات موجب می‌گردد تا صدور چنین احادیثی از اهل بیت علیهم‌السلام بعید به نظر برسد؛^۱ در نتیجه، اعتبار این منبع نزد عالمان شیعه کاهش می‌یابد.

- دو روایت نیز به دلیل آن که آغاز نقلشان از تفسیر *القمری* بوده است، به لحاظ مصدري در وضعیتی ضعیف قرار می‌گیرند.^۲ این تفسیر هم‌اکنون از دیدگاه محققان جهان تشیع، فاقد اعتبار است. شواهدی در دست است که این تفسیر نمی‌تواند نوشته بزرگواری همچون علی بن ابراهیم، که خود و پدرش عصر حضور و غیبت کبری را درک کرده‌اند، باشد.^۳

از میان هشت روایتی که از منابع حدیثی اهل سنت به دست آمد، شش حدیث بر اساس مبانی سنیان دارای منابعی معتبرند^۴، چراکه در برخی صحاح سته و یا مسانید مورد اعتماد آنان گزارش شده‌اند. دلیل ضعف مصدر دو روایت دیگر^۵ را نیز باید تفرد در نقل حدیث دانست.

دسته دوم

دسته دوم شامل روایاتی است که بر آفرینش حواء علیها السلام از باقی‌مانده گل آدم علیه السلام دلالت دارد. این دسته از روایات، تنها در متون روایی شیعه به دست آمد و در مجموع، شش روایت را شامل می‌گردد. در این میان، دو حدیث را می‌توان به لحاظ مصدرشناسی، معتبر دانست^۶ و بقیه به دلایل زیر از این حیث ضعیفند:

۱. تأخر زمانی نقل روایت: در این مجموعه، یک روایت به دلیل آن که اولین بار در منابع متأخر به دست آمد، به لحاظ مصدرشناسی ضعیف تلقی می‌گردد. آغازگر نقل این روایت، حویزی^۷ بوده است.
۲. تفرد در نقل: یک روایت را قطب‌الدین راوندی در *قصص الأنبياء* آورده است و علامه مجلسی به نقل از وی، این روایت را در *بحار الأنوار* نقل می‌کند؛ در نتیجه، تفرد در نقل دارد.^۸

۱. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۴۵۸ و ۴۵۹؛ ج ۲، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲. روایت بیست و پنجم: تفسیر *القمری*، ج ۱، ص ۴۵.

روایت بیست و ششم: تفسیر *القمری*، ج ۱، ص ۶۰.

۳. تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۱۸۵.

۴. روایت اول: *صحیح البخاری*، ج ۳، ص ۱۸۶۱، ج ۴۸۹۰؛ *صحیح مسلم*، ص ۵۸۵، ج ۱۴۶۸.

روایت دوم: *سنن الدارمی*، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

روایت سوم: *صحیح مسلم*، ص ۵۸۸؛ *مسند الحمیدی*، ج ۲، ص ۴۹۲ و ۴۹۳.

روایت چهارم: *المصنف*، ج ۴، ص ۱۸۴، ج ۲؛ *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، ج ۶، ص ۳۱۰، ج ۲۶۴۳۸.

روایت پنجم: *کتاب الثقات*، ص ۱۱۳۰، ج ۴۱۷۸.

روایت ششم: *سنن ابن ماجه*، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۵، ج ۵۲۵.

۵. روایت هفتم: *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۳، ص ۸۵۲، ج ۴۷۱۸.

روایت هشتم: *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج ۱، ص ۵۲.

۶. روایت اول: *من لا یحضره الفقیه*، ص ۱۸۷ و ۱۹۲، ج ۱؛ *علل الشرائع*، ج ۲، ص ۵۱۲، ج ۱.

روایت دوم: *من لا یحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸، ج ۱.

۷. روایت سوم: *تفسیر نور الثقلین*، ج ۱، ص ۴۳۴، ج ۱۵.

۸. روایت چهارم: *قصص الأنبياء*، ص ۶۹ و ۷۰، ج ۵۰.

۳. عدم اعتبار مصادر نزد عالمان شیعه: دو روایت به دلیل عدم اعتبار مصادر نزد عالمان شیعه، از این حیث دربردارنده ضعف خواهند بود. آغازگر نقل این روایات تفسیر العیاشی^۱ و البرهان فی تفسیر القرآن^۲ بوده‌اند.

برآیند آسیب‌شناسی مصادر روایات فریقین

پس از بررسی‌های مزبور مشخص می‌شود که بیشتر روایاتی که در شیعه، دربارهٔ آفرینش حوا ع نقل شده‌اند، به لحاظ مصدرشناسی وضعیت مناسبی ندارند. همین امر سبب می‌گردد، در هنگام مواجه شدن با این گروه از روایات، دقت و تأمل بیشتری به کار گرفته شود؛ اما در اهل سنت، وضعیت متفاوت بوده و اکثر مصادری که این روایت را نقل کرده‌اند، از جایگاه والایی نزد آنان برخوردارند.

آسیب‌شناسی اسناد

گام بعدی در شناخت آسیب‌های وارد بر احادیث، سندشناسی است. در این بخش نیز احادیث هر دسته به تفکیک شیعه و اهل سنت و همچنین بر اساس ملاک‌های عالمان هر فرقه، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

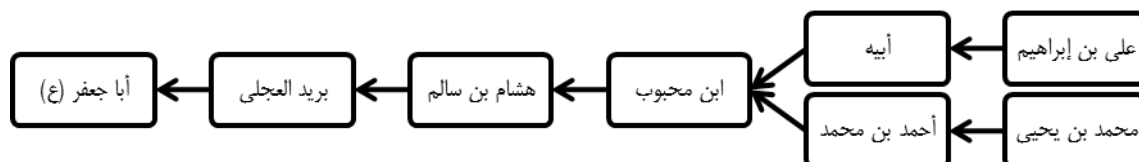
دسته اول

غالب اسناد احادیث شیعه در این موضوع، به دلایلی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، ضعیفند. با توجه به این که برخی روایات دارای چندین سند بوده و تمامی آن‌ها بررسی و ارزیابی شده‌اند، ممکن است یک روایت در چند بخش آورده شده باشد.

روایات صحیح

در میان روایات شیعه، هفت حدیث زیر دارای اسناد صحیحند:

- سند روایت شماره اول، صحیح بوده^۲ و به صورت زیر است:



- روایت سوم، سه سند دارد و سندی که شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه آورده است^۳، با استفاده از «مشیخه»^۴ به صورت زیر کامل می‌شود. این سند صحیح است:

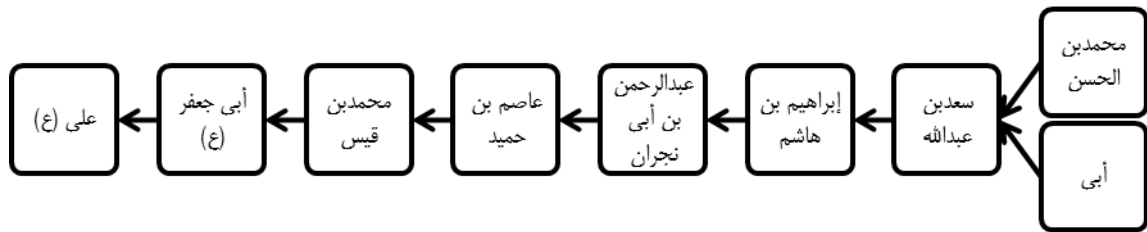
۱. روایت پنجم: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۷.

۲. روایت ششم: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۰، ح ۲۰۶۶.

۳. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع...»؛ الكافي، ج ۵، ص ۴۴۲، ح ۹.

۴. «رَوَى عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ...»؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۷ و ۳۲۸، ح ۵۷۰۴.

۵. همان، ج ۴، ص ۴۷۷.



– سندی که در *علل الشرایع* برای روایت هفتم آمده^۱ نیز صحیح است. در زمینه این سند، توجه به برخی نکات لازم است: «محمد بن ابی عبدالله» را به دلیل اعتماد «علی بن أحمد بن محمد بن عمران» و نقل روایات فراوان از او توثیق می‌کنند؛ هرچند نجاشی گفته است: وی بسیار از ضعف نقل می‌کند.^۲ روایات «علی بن ابی حمزه» را آداسه در زمان صحت مذهب می‌دانند، زیرا پس از شهادت امام کاظم علیه السلام، شیعیان به سه دسته تقسیم شدند؛ گروهی بر امام کاظم علیه السلام توقف کردند، برخی امام رضا علیه السلام را به خلیفه‌اللهی پذیرفتند و گروهی نیز نتوانستند راهی برای خود برگزیده و هاج و واج ماندند. پس از این زمان، ائمه علیهم السلام شیعیان خویش را از نشست و برخاست با واقفه بازداشتند و استماع حدیث از آنان را نهی کردند؛^۳ در نتیجه، مشایخ نقل روایت از این افراد را کنار گذاشتند. یکی از افرادی که بر امام کاظم علیه السلام توقف کرد، علی بن ابی حمزه است. با توجه به آنچه بیان شد، بسیاری معتقدند احادیث موجود از وی را مشایخ در زمان صحت مذهبش از او بیان داشته‌اند، زیرا طبق فرمان امامان پس از آن، اجازه نقل از این افراد وجود نداشت. با پذیرش این مبانی، روایت مذکور صحیح خواهد بود.^۴

– در زمینه سند روایت چهارم^۵ باید بیان داشت که بررسی‌ها نشان می‌دهد، «عبدالله بن محمد» که منظور «عبدالله بن محمد بن علی»، برادر «أحمد بن محمد بن علی اشعری» است و همچنین «عبدالرحمن بن سیابه» ثقه بوده و در نتیجه، سند صحیح است.

– روایت نوزدهم با عبارت «بالإسناد المتقدم» در *قصص الانبیاء* آمده است^۶ که با استفاده از اسناد پیشین در همین کتاب،^۷ می‌توان آن را به صورت ذیل کامل کرد:

۱. «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ...»؛ *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱.

۲. *رجال النجاشی*، ص ۳۲۲، ش ۱۰۲۰.

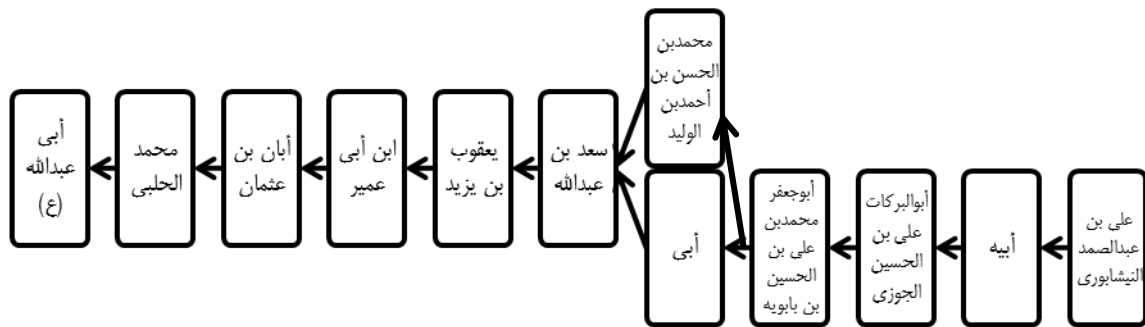
۳. *اختیار معرفه الرجال*، ج ۲، ص ۷۵۵ تا ۷۶۸.

۴. برگرفته از: درس‌گفتارهای آیه‌الله شبیری زنجانی.

۵. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سِيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام...»؛ *الكافی*، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۳.

۶. «وَبِالإِسْنَادِ الْمُتَقَدِّمِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ...»؛ *النور المبين في قصص الانبياء والمرسلين*، ص ۴۱، ح ۴.

۷. همان، ص ۳۵.



سند روایت بر اساس قول مشهور، به دلیل ناووسی دانستن «أبان بن عثمان» موثق است، اما گروهی او را امامی صحیح‌المذهب می‌دانند و در نتیجه روایت صحیح می‌شود.^۱

- روایت بیست‌وششم که در تفسیر القمی آمده است^۲ نیز صحیح‌السند است.

روایات موثق

دو روایت از میان روایات شیعه، دارای اسنادی موثق هستند که در ذیل آورده می‌شود:

- روایت شماره دو را شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه به صورت مرسل آورده است که با استفاده از مشیخه^۳ می‌توان آن را به این صورت کامل کرد:



این روایت به دلیل آن که مشهور رجالیان بر عامی بودن «السکونی» رأی داده‌اند، موثق است.^۴

- روایت شماره نه شیخ صدوق^۵ به دلیل وجود «غیاث بن إبراهیم» موثق است.^۶

روایات ضعیف

عوامل متعددی سبب می‌گردد تا روایتی از حیث سندشناسی ضعیف قلمداد گردد که در ادامه، آسیب‌هایی که به هر یک از اسناد روایات وارد است، به ترتیب بیان می‌گردد:

الف) روایات وجاده‌ای: وجاده، یکی از طرق تحمل حدیث است که طالب حدیث، کتاب یا حدیثی به خط یکی از مشایخ حدیث بیابد،^۷ اما به دلیل آن که مستقیماً از شیخ دریافت نشده است، احتمال وجود اشکال هست.

۱. خلاصه الأقوال، ص ۷۴، ش ۳. برخی نیز با پذیرفتن قاعده «توثیق مشایخ رجال ثلاثه»، به دلیل وجود «ابن‌ابی‌عمیر» در سند، بدون بحث درباره وثاقت أبان بن عثمان، سند را صحیح تلقی می‌کنند.

۲. «فإنه حدثني أبي عن النضر بن سويد عن هشام عن أبي عبدالله عليه السلام قال...»؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۶۰.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۹.

۴. خلاصه الأقوال، ص ۳۱۶، ش ۳.

۵. «أبي رحمه الله قال حدثنا سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن محمد بن يحيى الخزاز عن غياث بن إبراهيم عن أبي عبدالله عليه السلام قال...»؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱.

۶. اختیار معرفه الرجال، ص ۱۴۲، ش ۱۵۴۲.

۷. علم الحدیث و درایه الحدیث، ص ۱۳۸.

روایت شماره دوازده، وجاده‌ای و بدون عنوان است؛ بدین معنا که طریق علامه مجلسی برای دستیابی به این کتاب، مشخص نیست و همین امر سبب ضعف طریق می‌گردد و دیگر نیازی به بررسی اسناد آن نیست.

(ب) روایات بدون سند: سه روایت در میان روایات این دسته، سندی ندارند که در ذیل آورده می‌شوند:

- روایت شماره سیزده را علامه مجلسی از کتاب *علل بدون سند* و ذکر نام معصوم نقل کرده است.

- روایت شماره هشت در *معانی الأخبار*، به صورت «حدثنا مشايخنا رضی الله عنهم بأسانید مرفوعه متصله قد ذکرتها فی کتاب علل الشرایع و الأحکام...» آمده است، اما به دلیل آن که اسناد این روایت مشخص نیست و از معصومان نقل نمی‌گردد، اعتباری ندارد.

- روایت شماره یازده، بخشی از وصیت لقمان به فرزندش است که به دلیل عدم اتصال به معصوم و نیابردن سند، ضعیف است.

(ج) اسناد مرسل: مرسل به حدیثی گفته می‌شود که یک راوی یا بیشتر، از سند آن افتاده باشد. اسناد زیر این گونه‌اند:

- روایت شماره هجده، دارای ارسال کامل است.

- روایت شماره ۲۳ نیز در *البرهان* به صورت «یاسناده عن أبیه عن آبائه» آمده که دارای ارسال کامل است.

- ظهور تعبیر «أبی جعفر علیه السلام» در اسناد روایت شماره ۲۵، امام باقر علیه السلام است. در پاره‌ای از اسناد نیز با وجود قرینه، امام جواد علیه السلام نیز از این تعبیر اراده شده است، ولی روایت «ابن محبوب» از امام جواد علیه السلام ثابت شده نیست؛ بنابراین به نظر می‌رسد در سند روایت، قطعی رخ داده باشد و واسطه یا واسطه‌هایی میان «ابن محبوب» و امام، افتاده باشند.

- روایت بیست و دوم در *تفسیر العیاشی* به صورت «عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام» آمده است، که سند تا «ابن سنان» متصل نیست و فاقد اعتبار می‌گردد.

- روایت شماره ۲۴ با دو سند آمده است:

۱. *تفسیر البرهان* آن را به صورت «عنه عن جعفر بن محمد علیه السلام» آورده است و ارسال کامل دارد.

۲. *مستدرک الوسائل* به صورت «تحفة الإخوان للمولی الفاضل المولی سعید بن المزیدی عن ابی بصیر عن جعفر بن محمد علیه السلام»، روایت را آغاز کرده است.

- روایات شانزدهم، هفدهم و بیستم، مرسل هستند.

(د) روایات موقوف: حدیث موقوف آن است که از صحابی معصوم علیه السلام نقل شود، بدون این که وی آن را به معصوم اسناد دهد. (مدیرشانه‌چی: ۱۳۶۲، ص ۷۹) دو روایت زیر این گونه‌اند:

- روایت شماره پانزده را علامه مجلسی از کتاب *الدر المنثور* و از قول ابن عباس آورده است که با در نظر گرفتن ملاک‌های شیعه، موقوف بوده و ضعیف است.

۱. «أقول رأیت فی بعض الكتب المعتبرة روى فضل الله بن علي بن عبيد الله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن محمد بن عبيد الله بن الحسين بن علي بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن علي بن أبي طالب تولى الله في الدارين بالحسن عن أبي عبدالله جعفر بن محمد بن أحمد بن العباس الدورقسي عن أبي محمد جعفر بن أحمد بن علي المونسي القمي عن علي بن بلال عن أحمد بن محمد بن يوسف عن حبيب الخیر عن محمد بن الحسين الصائغ عن أبيه عن معلى بن خنيس قال: دخلت على الصادق جعفر بن محمد علیه السلام...»؛ *بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، ج ۵۶، ص ۹۱ و ۹۲، ح ۱.

۲. «قال و حدثني أبي عن الحسن بن محبوب عن أبي جعفر علیه السلام قال...»؛ *تفسیر القمی*، ج ۱، ص ۴۵.

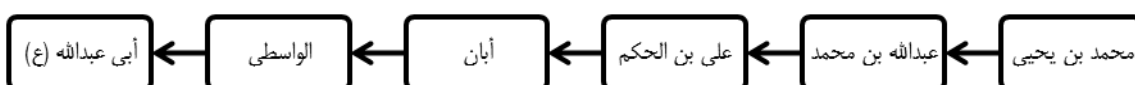
هـ) عدم توصیف راویان: برای برخی راویان در کتب رجال، توصیف یا تضعیفی دیده نمی‌شود که به اصطلاح «مهمل» نامیده می‌شود.^۱

– دو سند از سه سندی که برای روایت شماره سه به دست آمد، به دلیل مهمل بودن راویان، ضعیفند:

۱. در سندی که شیخ طوسی و شیخ حر عاملی برای این روایت آورده‌اند، «علی بن الحسن بن علی بن فضال» با وجود فطحی مذهب بودن دارای توثیق است.^۲ و مقصود از «محمد الکاتب»، «محمد بن تسنیم الوراق» است که فردی ثقه است.^۳ سند این روایت به دلیل مجهول بودن بقیه راویان، ضعیف است.

۲. درباره سندی که در مناقب آمده است^۴ باید چنین بیان داشت که «سعد بن طریف» را ابن غضائری در کتاب خود تضعیف کرده است.^۵ «شریح» و «الحسن بن العبدی» نیز مجهولند.

– سند روایت شماره پنج^۶ را نیز با در نظر گرفتن تعلیقی که در آن رخ داده است، به صورت زیر می‌توان نشان داد:



منظور از «الواسطی» در مشایخ «أبان بن عثمان»، «محمد بن الحسن الواسطی» است که وثاقتش احراز شده نیست و سند، فاقد اعتبار می‌گردد.

– سند روایت شماره شش^۷ با وجود افراد مهمل، معتبر نیست.

– روایت شماره ده^۸، به دلیل عدم احراز وثاقت «أبونصر» معتبر نیست.

– روایت شماره چهارده بر اساس کتاب قصص الأنبياء^۹ به صورت زیر کامل می‌گردد:



منظور از «علی بن سالم»، «علی بن حمزه بطائنی» است که اگر نقل روایت در زمان صحت مذهبش دانسته شود، خللی از جانب وی در سند ایجاد نمی‌شود، اما با توجه به این که وثاقت پدرش محرز نیست، سند روایت ضعیف می‌گردد.

علم الحديث و درایة الحديث، ص ۸۸.

۲. «علی بن الحسن قال حدثنی مُحَمَّدُ الْكَاتِبُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ بْنِ شُرَيْحٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِيهِ مَيْسَرَةَ عَنْ أَبِيهِ...»؛ اختيار معرفة الرجال، ج ۹، ص ۳۵۴.

۳. رجال النجاشی، ص ۲۵۷، ش ۶۷۶.

۴. همان، ص ۳۳۰، ش ۸۹۲.

۵. «الحسن بن علی العبدی عن سعد بن طریف عن شریح...»؛ مناقب آل ابي طالب، ج ۲، ص ۳۷۶.

۶. رجال ابن الغضائری، ص ۶۴، ش ۵۶.

۷. «أبان عن الواسطی عن أبي عبدالله عليه السلام قال...»؛ الكافي، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۴.

۸. «حدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ يَحْيَى بْنِ ضُرَيْسِ بْنِ الْجَلِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ عَمْرَةَ السَّكُونِي السُّرْبَانِي قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَاصِمٍ بَقَرَوَيْنَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ هَارُونَ الْكُرْخِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ سَلَامٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنِي يَزِيدُ بْنُ سَلَامٍ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ...»؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۳۳.

۹. «حدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ تَمِيمِ السَّرْحَسِيِّ الْفَقِيهِ بِسَرْحَسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو لَيْبِدٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ الشَّامِي قَالَ حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْمُحَرَّمِي [المخزومي] قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الْجَرِيرِيِّ عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ بْنِ الشَّخِيرِ عَنْ نَعِيمِ بْنِ قَعْنَبٍ قَالَ: آتَيْتُ الرَّبْدَةَ التَّمِيسُ أَبَا ذَرٍّ فَقَالَتْ لِي أَمْرًا تَهَبُ يَمْتَهِنُ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ...»؛ معاني الأخبار، ص ۳۰۵، ح ۱.

۱۰. النور المبين في قصص الأنبياء والمرسلين، ص ۶۶، ح ۴۷.

- در سند روایت بیست و یکم، «عیسی بن العلوٰی» در حقیقت «عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن ابی طالب» است،^۲ که وثاقت وی ثابت شده نیست؛ در نتیجه، سند دارای اعتبار نیست.

اسناد روایات اهل سنت

در بررسی اسناد روایات اهل سنت با توجه به مبانی و معیارهایی که در جرح و تعدیل دارند، موارد زیر به دست آمد:

روایات صحیح

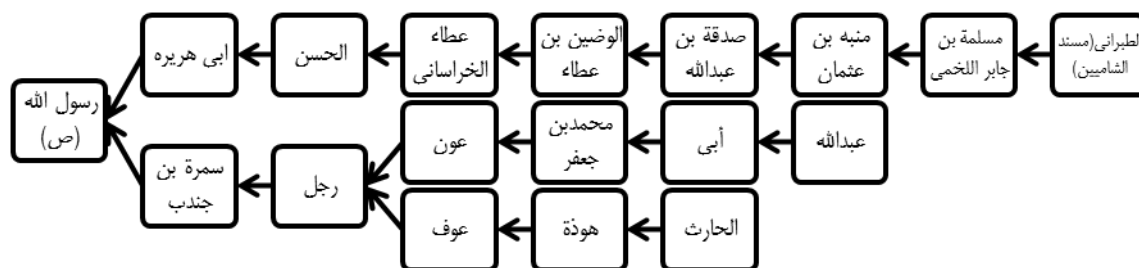
روایات اول و سوم به دلیل نقل در صحیحین، نیاز به بررسی سندی ندارند و نزد اهل سنت معتبرند.

روایات ضعیف

روایات ضعیف اهل سنت در زیر دسته بندی شده است:

(الف) روایات مرسل: اسناد روایات ششم و هشتم به صورت مرسل آورده شده اند.

(ب) عدم توصیف راویان: طریق منقول در مسند حارث و مسند / احمد^۳ برای روایت چهارم، به دلیل وجود «عن رجل» مجهول است:



در طریق ابن حنبل به این روایت، مقصود از «محمد بن جعفر»، «محمد بن جعفر الهذلی» است؛ در نتیجه در «عون» تصحیف رخ داده و در اصل «عوف الأعرابی» است.^۴

سند روایت شماره هفت، به دلیل نقل در تفسیر القرآن العظیم نیازمند بررسی است.^۵ مقصود از «أبی»، «محمد بن إدريس أبو حاتم رازی» است که درباره او توثیق وجود دارد.^۶ درباره «مقاتل بن محمد» توثیق و تضعیفی به دست نیامد. «وکیع بن جراح رواسی»^۷ و «قتادة بن دعامة»^۸ توثیق شده اند و درباره «محمد بن سلیم أبو هلال راسی»^۱ اختلاف نظر وجود دارد؛ در نتیجه با توجه به مبانی اهل سنت، این سند اعتبار چندانی ندارد.

۱. «عن مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ...»؛ العیاشی: ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۲.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۹۵، ش ۷۹۹.

۳. «حدثنا عبدالله حدثني أبي ثنا محمد بن جعفر ثنا عون قال و حدثني رجل قال سمعت سمرة يخطب على منبر البصرة و هو يقول سمعت رسول الله ﷺ...»؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۸.

۴. «حدثنا هودة، ثنا عوف، عن رجل قال: سمعت سمرة بن جندب يخطب على منبر البصرة و قال: سمعت رسول الله ﷺ...»؛ مسند حارث، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۴۸۸.

۵. تهذيب الكمال، ج ۲۵، ص ۶، ش ۵۱۲۰.

۶. «حدثنا أبي، ثنا مقاتل بن محمد، ثنا وكيع، عن أبي هلال، عن قتادة عن ابن عباس رضي الله عنهما...»؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۸۵۲، ح ۴۷۱۸.

۷. تهذيب الكمال، ج ۲۴، ص ۳۸۱، ش ۵۰۵۰.

۸. همان، ج ۳۰، ص ۴۶۲، ش ۶۶۹۵.

۱. همان، ج ۲۳، ص ۴۹۹، ش ۴۸۴۸.

ج) راویان ضعیف: روایات پیش‌رو، در بردارندهٔ راویان تضعیف‌شده‌اند:

- در زمینهٔ سند روایت شمارهٔ دو^۱، باید به این نکات توجه کرد که «نعیم بن قعب» در میان عامه خیلی شناخته‌شده نیست. ابن حبان او را در کتاب *الثقات* آورده است.^۲ «محمد بن عبدالله الرقاشی»، «عبدالوارث بن سعد تمیمی» و «أبی‌العلاء یزید بن عبدالله الشخیر العامری» افرادی موثقتند.^۳ «سعید بن أباس الجریری» اختلافی است و گروهی، برخی از احادیث وی را منکر دانسته و نمی‌پذیرند.^۴

- طریقی که الطبرانی برای روایت شمارهٔ چهار آورده، ضعیف است، زیرا در این سند «صدقهٔ بن عبدالله السمین» تضعیف شده است.^۵

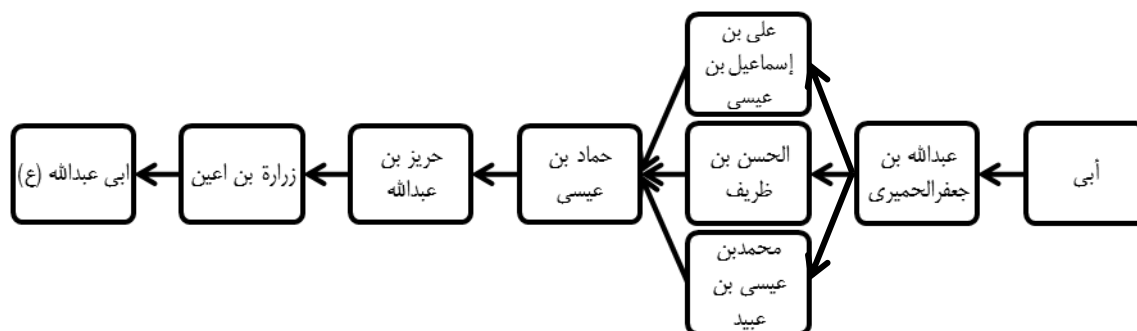
- در سند روایت شمارهٔ پنج^۶، «حرملهٔ بن یحیی التجیبی» آمده است که احادیثش قابل احتجاج نیست.^۷ همین نکته کافی است تا سند، فاقد اعتبار باشد.

دستهٔ دوم

در مجموعه روایاتی که بر آفرینش حواله ع از باقی‌ماندهٔ گلِ آدم ع دلالت داشت، دو دسته روایات صحیح و ضعیف دیده می‌شود.

روایات صحیح

روایت دوم، دو سند دارد. سند مذکور در *من لا یحضره الفقیه* با استفاده از مشیخه کامل گردید،^۸ که به صورت زیر است:



در سند این روایت، تمامی راویان از توثیق برخوردارند، جز آن که دربارهٔ «محمد بن عیسی بن عبید» اختلاف نظر وجود دارد، اما با در نظر گرفتن تمامی اقوال و حجم بالای روایاتی که از او نقل شده است، توثیق می‌گردد.^۹

۱. همان، ج ۲۵، ص ۲۹۳، ش ۵۲۵۶.

۲. «أخبرنا محمد بن عبدالله الرقاشی ثنا عبد الوارث ثنا الجریری عن أبی العلاء عن نعیم بن قعب عن أبی ذر ان رسول الله ص قال سنن الدارمی، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۳. کتاب *الثقات*، ج ۵، ص ۴۷۷.

۴. *معرفة الثقات*، ج ۱۴۰۵، ص ۲، ج ۲، ص ۲۴۳.

۵. *تهذیب الکمال*، ج ۱۰، ص ۳۳۸، ش ۲۲۴۰.

۶. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۳، ش ۲۸۶۳.

۷. «أخبرنا محمد بن الحسن بن قتیبة قال حدثنا حرمله بن یحیی قال حدثنا بن وهب قال أخبرنا حیاة عن بن الهاد عن مسلم بن الولید عن أبیه عن أبی هریره أنه سمع رسول الله ص یقول...»؛ کتاب *الثقات*، ص ۱۱۳۰، ح ۴۱۷۸.

۸. همان، ج ۵، ص ۵۴۸، ش ۱۶۶۶.

۹. *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۴۲۵.

روایات ضعیف

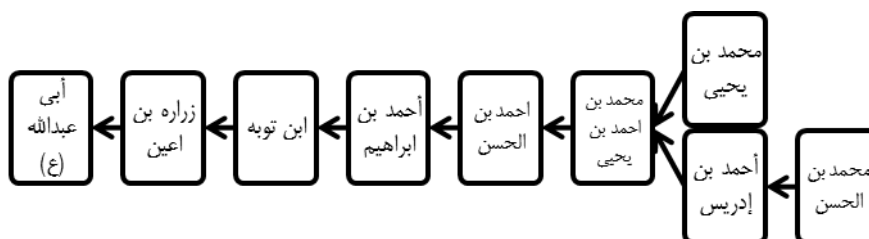
اسناد ضعیف روایات دسته دوم را به این صورت می‌توان بیان کرد:

(الف) روایات مرسل: حدیث سه، پنج و شش^۲ دارای ارسال کامل هستند.

(ب) روایات موقوف: روایت چهارم از «وهب بن منبه» بدون آن که به معصوم متصل گردد، نقل شده است.^۳

(ج) عدم توصیف راویان:

– روایت شماره دو، علاوه بر سند صحیحی که در من لایحضره الفقیه برای آن آورده شده، سند زیر را نیز داراست:^۴



این سند نیز به دلیل مهمل بودن «ابن توبه» فاقد اعتبار است.

– در زمینه سند روایت اول^۵ که شیخ صدوق آورده است، باید گفت «محمد بن علی بن ماجیلویه» گرچه از توثیق صریح برخوردار نیست، اعتماد عملی شیخ صدوق به وی، نشان از وثاقتش دارد. «ابوالحسن البرقی» که نام او «علی بن الحسین» است، فردی ناشناس بوده و دلیلی بر وثاقتش وجود ندارد؛ به همین دلیل، این سند نیز بی اعتبار است. سند شیخ مفید در الاختصاص برای روایت اول^۶، به دلیل مهمل بودن «عبدالرحمن بن ابراهیم» و «الحسین بن مهران» از اعتبار ساقط است.

برآیند آسیب‌شناسی اسناد روایات فریقین

همان‌گونه که از بررسی‌های مزبور به دست می‌آید، اکثر روایات این موضوع، اسناد صحیحی ندارند. در شیعه از میان ۳۶ سندی که برای روایات وجود دارد، ۲۸ سند ضعیف، دو سند موثق و تنها شش سند صحیحند. در اهل سنت نیز از ده سند، هشت مورد ضعیف و دو مورد صحیحند. چنین آماری، بر وجود آسیب جدی در ناحیه اسناد روایات آفرینش حوا^۷ در جوامع روایی فریقین، دلالت دارد.

نتیجه‌گیری

۱. خلاصه الأقوال، ص ۲۴۱، ش ۲۳.

۲. «و باسناده الی الحسن بن عبدالله عن آبائه عن جده الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام عن النبی ۹ حدیث طویل یقول فیه...»؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۵.

۳. «و عن ابن بابویه حدَّثنا أبو عبدالله محمد بن شاذان حدَّثنا محمد بن شاذان حدَّثنا محمد بن الحارث الحافظ حدَّثنا صالح بن سعید الترمذی عن عبد المنعم بن إدريس عن أبيه عن وهب بن منبه اليماني...»؛ النور المبین فی قصص الأنبياء والمرسلین، ص ۶۹، ح ۵۰.

۴. «حدَّثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال حدَّثنا أحمد بن إدريس و محمد بن يحيى الطار جَمِيعاً قَالَا حدَّثنا محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري قال حدَّثنا أحمد بن الحسن بن علي بن فضال عن أحمد بن إبراهيم بن عمارة قال حدَّثنا ابن نويه [توبه] رواه عن زرارة قال...»؛ همان، ج ۱، ص ۱۷.

۵. «حدَّثنا محمد بن علي ماجيلويه عن عمه عن أحمد بن أبي عبدالله عن أبي الحسن البرقي عن عبدالله بن جبلة عن معاوية بن عمارة عن الحسن بن عبدالله عن آبائه عن جده الحسن بن علي بن أبي طالب: قال...»؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۱۲، ح ۱.

۶. «قال حدَّثنا عبد الرحمن بن إبراهيم قال حدَّثنا الحسين بن مهران قال حدَّثني الحسين بن عبدالله (في بعض النسخ الحسن بن عبدالله) عن أبيه عن جده عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام قال جاء رجل من اليهود إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال...»؛ الاختصاص، ص ۳۳.

از بررسی روایاتی که در موضوع آفرینش حوا ع وجود دارد، دو دسته روایت به دست آمد؛ دسته اول، روایاتی هستند که بر خلق حوا ع از آدم ع اشاره داشته و دسته دوم، روایاتی را شامل می‌گردد که بر آفرینش حوا ع از باقی‌مانده گل آدم ع دلالت دارد. نگاهی ابتدایی به ظاهر این دسته از روایات، زن را جنسی پسینی و وابسته به مرد معرفی می‌کند و همین امر سبب تحقیر جنس مؤنث خواهد شد؛ در نتیجه لازم است روایات مورد آسیب‌شناسی دقیق قرار گیرند. بررسی روایات دسته اول در ناحیه مصادر و اسناد نشان داد: در شیعه، به جز یازده روایت که در کتب اربعه یا برخی از کتب شیخ صدوق گزارش شده‌اند، اکثر روایات از مصداری ضعیف برخوردارند. علل ضعف مصادر روایات را می‌توان تأخر زمانی در نقل روایت، عدم اعتبار مصادر نزد عالمان شیعه و تفرد در نقل دانست. در این میان، هفت حدیث دارای اسناد صحیح، دو روایت دارای اسنادی موثق و سایر احادیث به دلیل وجاده‌ای بودن، فقدان سند، ارسال، موقوف بودن و عدم توصیف راویان ضعیف هستند. از میان هشت روایتی که از منابع حدیثی اهل سنت به دست آمد، شش حدیث بر اساس مبانی جمهور اهل سنت دارای منابعی معتبرند. دلیل ضعف مصدر دو روایت دیگر را نیز باید تفرد در نقل حدیث دانست. از بررسی اسناد روایات اهل سنت، دو روایت صحیح‌السند به دست آمد و سایر اسناد به دلایل ارسال، عدم توصیف راویان و وجود راویان ضعیف، اعتبار سندی ندارند. دسته دوم، تنها در متون روایی شیعه به دست آمد و در مجموع، شش روایت را شامل می‌گردد. در این میان، دو حدیث را می‌توان به لحاظ مصدرشناسی معتبر دانست و چهار روایت دیگر به دلایل تأخر زمانی نقل روایت و عدم اعتبار مصادر نزد عالمان شیعه، ضعیفند. در این دسته، یک سند صحیح و سایر اسناد به دلایل ارسال، موقوف بودن و عدم توصیف راویان، ضعیف هستند.

شایان ذکر است، آنچه در این پژوهش مدنظر قرار داشت، بررسی وضعیت مصادر و وثاقت سندی روایات بود و وثوق صدوری روایات، به معنای صحت یا عدم صحت متون، نیازمند پژوهشی مستقل خواهد بود.

کتاب نامه

- الإحتجاج على أهل اللجاج، احمد بن على الطبرسى، تحقيق: محمداقبر خرسان، مشهد: مرتضى، اول، ۱۴۰۳ق.
- الإختصاص، محمد بن محمد المفيد، تصحيح: على اكبر غفارى و محمود محرمى زرندى، قم: المؤتمر العالمى الألفيه الشيخ المفيد، اول، ۱۴۱۳ق.
- اختيار معرفه الرجال، محمد بن الحسن الطوسى، تصحيح: ميرداماد الأستراآبادى، تحقيق: السيدمهدى الرجائى، قم: مؤسسه آل البيت، دوم، ۱۴۰۴ق.
- إرشاد الأذهان إلى تفسير القرآن، محمد بن حبيب الله السبزوارى النجفى، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۹ق.
- أطيب البيان فى تفسير القرآن، سيدعبدالحسين طيب، تهران: اسلام، دوم، ۱۳۷۸ق.
- الأمالى، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، تهران: كتابچى، ششم، ۱۳۷۶.
- بحار الأنوار الجامعه لدرر الأخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام، محمداقبر المجلسى، تحقيق: جمعى از محققان، بيروت: دار إحياء التراث العربى، دوم، ۱۴۰۳ق.
- البرهان فى تفسير القرآن، سيدهاشم بن سليمان البحرانى، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴.
- بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث، على بن أبى بكر الهيثمى، تحقيق: حسين أحمد صالح آبادى، عربستان: المكتبة العربية السعودية، اول، ۱۴۱۳ق.
- بيان المعانى، عبدالقادر ملاحويش آل غازى، دمشق: مطبعة الترقى، اول، ۱۳۸۲ق.
- تاج التراجم فى تفسير القرآن للأعاجم، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر الإسفرائينى، تهران: علمى و فرهنگى، اول، ۱۳۷۵.
- تحرير المرأة فى عصر الرساله، عبدالحليم محمد أبوشقه، كويت: دارالقلم، ششم، ۱۴۲۲ق.
- تفسير اثنا عشرى، حسين بن أحمد حسينى شاهعبدالعظيمى، تهران: ميقات، اول، ۱۳۶۳.
- تفسير الصافى، محمد محسن بن المرتضى الفيض الكاشانى، تحقيق: حسين اعلمى، تهران: مكتبة الصدر، دوم، ۱۴۱۵ق.
- تفسير القرآن الكريم، السيدعبدالله الشبر، بيروت: دارالبلاغه، اول، ۱۴۱۲ق.
- التفسير المظهرى، محمد ثناءالله المظهرى، تحقيق: غلام نبى التونسى، باكستان: مكتبة رشديه، ۱۴۱۲ق.
- تفسير بيان السعادة فى مقامات العباده، سلطان محمد گنابادى، بيروت: مؤسسه الأعلمى، ۱۴۰۸ق.
- تفسير العياشى، محمد بن المسعود العياشى، تحقيق: هاشم رسولى محلاتى، تهران: المطبعة العلميه، اول، ۱۳۸۰ق.
- تفسير القرآن العظيم، عبدالرحمن بن محمد بن أبى حاتم، تحقيق: اسعد محمد الطيب، عربستان: مكتبة نزار مصطفى الباز، سوم، ۱۴۱۹ق.
- تفسير القمى، على بن إبراهيم القمى، تحقيق: طيب الموسوى الجزائرى، قم: دارالكتاب، سوم، ۱۴۰۴ق.
- تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازى، تهران: دارالكتب الإسلاميه، اول، ۱۳۷۴.
- تفسير نورالقلبين، عبدعلى بن جمعه العروسى الحويزى، تحقيق: هاشم الرسولى المحلاتى، قم: اسماعيليان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
- تفسير و مفسران، محمدهادى معرفت، قم: مؤسسه فرهنگى التمهيد، اول، ۱۳۷۹.
- تهذيب الكمال، جمال الدين أبى الحجاج يوسف، المزمى، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسه الرساله، چهارم، ۱۴۱۳ق.
- الجامع لأحكام القرآن، محمد بن أحمد القرطبى، تهران: ناصرخسرو، اول، ۱۳۶۴.
- جديد الإسلام، على قلى، ترجمه، شرح و نقد سفر پيدايش تورات، به كوشش: رسول جعفریان، قم: انصاريان، اول، ۱۳۷۵.
- جوامع الجامع، الفضل بن الحسن الطبرسى، تهران: دانشگاه تهران و مديريت حوزه علميه قم، اول، ۱۳۷۷.
- خلاصه الأقوال، الحسن بن يوسف الحللى، تحقيق: جواد القيومى، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، اول، بى تا.
- الدر المنثور فى تفسير المأثور، جلال الدين عبدالرحمن السيوطى، قم: كتابخانه آيه الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۴ق.

- رجال ابن الغضائری، أحمد بن الحسين الغضائری، تحقیق: السيد محمد رضا الجلالی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- رجال الطوسی، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- رجال النجاشی، أبی العباس أحمد بن علی النجاشی، تحقیق: موسی الشیبیری الزنجانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
- زنان قرآنی از حوا تا مریم علیها السلام، اعظم فرجامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، اول، ۱۳۹۰.
- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه، شرح: أبی الحسن الحنفی، بیروت: دارالمعرفه، دوم، ۱۴۱۸ق.
- سنن الدارمی، أبو محمد عبدالله بن الرحمن الدارمی، دمشق: مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ق.
- شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۸۲.
- صحیح البخاری، أبی عبدالله محمد بن إسماعیل البخاری، شرح: مصطفی دیب البغاء، دمشق: دارالعلوم الإنسانیه، دوم، ۱۴۱۳ق.
- صحیح مسلم، أبی الحسین بن مسلم بن الحجاج مسلم النیسابوری، ریاض: بیت الأفكار الدولیه، ۱۴۱۹ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: کتاب فروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ق.
- علم الحدیث و درایه الحدیث، کاظم مدیرشانه چی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- قصص الأنبیاء، سعید بن هبه الله قطب الدین الراوندی، تحقیق: غلامرضا عرفانیان الیزدی، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی، اول، ۱۴۰۹ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب الثقات، محمد بن حبان، هند: مؤسسه الکتب الثقافه، اول، ۱۳۹۳ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الحسین بن محمد تقی النوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
- مسند الإمام أحمد بن حنبل، أحمد بن حنبل، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- مسند الحمیدی، عبدالله بن الزبیر الحمیدی، تحقیق: حبیب الرحمن العظمی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۰۹ق.
- مسند الشامیین، أبی القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرساله، دوم، ۱۴۱۷ق.
- المصنف، عبدالله بن محمد بن أبی شیبیه، تحقیق: سعید اللحام، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۹ق.
- معانی الأخبار، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
- معرفه الثقات، أحمد بن عبدالله بن صالح العجلی، تحقیق: عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی، مدینه: مکتبه الدار، اول، ۱۴۰۵ق.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ترجمه: علی اکبر غفاری، محمد جواد غفاری و صدر بلاغی، تهران: صدوق، اول، ۱۳۶۷.
- مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، نجف: الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، السيد محمد حسین الطباطبائی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم، ۱۴۱۷ق.
- «نگاهی نو به روایات آفرینش زن از دنده چپ مرد»، غلامحسین اعرابی، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش ۵، زمستان ۱۳۸۷.
- النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین، نعمه الله بن عبدالله الجزائری، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴ق.